

خشونت‌های پیچیده‌تری در کمین است

گزارشی از سخنرانی دکتر مقصود فراستخواه در دانشگاه علوم پزشکی مشهد



غزاله حسین پور را کتاب اسمانی ما را به امر نابینا و رشت فرمان نمی‌دهد و از نسبت دادن آنچه نمی‌دانیم به خداوند، برحذر داشته است. خدا عادل است و از ما نیز عدل و نیکوکاری می‌خواهد. از سویی، اخسوت امری اسپیرازست و دین در پی رفع اسپهاسمت، چه می‌شود که دریافت‌های خوشگرا از دین رایج می‌شود؟ اساس دین با خشونت دارد؟ راهکار جامعه دین‌مدار برای بروز رفت از خشونت‌های تحمیلی چیست؟ در مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، روز سه‌شنبه در نشست با عنوان «حق‌های دینداری در عصر خشونت، پیهم و امیدها» که در دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزار شد، به مسئله نسبت دین و خشونت از حقوق بشری بر خورد با باشند و از هر نوع خشونت تحمیلی مضمون به‌مانند.

● خلدون به ظلم فرمان نمی‌دهد

نیازهای تکمیلی باید با معیار نیازهای پایه سنجیده شود و از این روی دین مردونیز انسان به دور از خشونت است زیرا خشونت به بدن و حیات انسانی و حقوق بشری ضربه می‌زند. دکتر فراستخواه در ادامه بیان این دیدگاه تأکید کرد هیچ فرد عاقلی نمی‌پذیرد به نام دین، جان کسی گرفته و حقوق اولیه از او سلب شود.

قرآن کریم در آیه ۲۸ سوره مبارکه «اعراف» می‌فرماید: «و چون کار زشتی کنند می‌گویند بدتر خود را بر آن یافته‌یم و خدا ما را بدتر فرمان داده است بگو قضا خدا به کار زشتست نسبت می‌دهد» این جامعه‌شناس با اشاره به این آیه یاد آور شد: خدا هیچ‌گاه به خیانت، خشونت، تجاوز از حق و حقوق و ظلم دستور نمی‌دهد. خدا اگر دشمنی می‌کند باید بر اساس عدالت باشد و قطعاً عدل و نیکوکاری را از بشر می‌خواهد. بنابر این سخن و آموزه‌های اولیه سنت اسلامی، اگر خدا هست، قطعاً عادل است و اگر عادل نیست، خدای منظم ما نیست.

● ساختار مودی سرمایه‌داری و خشونت‌های اقتصادی

فراستخواه در ادامه از ۲ سست عمده تاریخی درباره خاوند یاد کرد: سست استدلالی فلسفی و سنت عرفانی و اشراقی. او توضیح داد: عارفان و تفکر سیر» و «تحلیلی و انتقادی» نام برد و

● رضایت مردم مرتب باید سنجیده شود

فراستخواه در بحثی دیگر از سخنان خود درباره نسبت میان دین و خشونت از ۲ مدل «اثبات‌گرا» و «تفسیرگر» و «تحلیلی و انتقادی» نام برد و

● درک دواړه از دین به خشونت نظام‌مند

فراستخواه در این بخش به نسبت میان خشونت و دین با تمرکز به مسئله ایران پرداخت و گفت: اگر بخواهیم «ما» باقی بماند و ظرفیت‌هایمان

● وضعیت مردم مرتب باید سنجیده شود

فراستخواه در این بخش به نسبت میان خشونت و دین با تمرکز به مسئله ایران پرداخت و گفت: اگر بخواهیم «ما» باقی بماند و ظرفیت‌هایمان

● درک دواړه از دین به خشونت نظام‌مند

فراستخواه در این بخش به نسبت میان خشونت و دین با تمرکز به مسئله ایران پرداخت و گفت: اگر بخواهیم «ما» باقی بماند و ظرفیت‌هایمان

● وضعیت مردم مرتب باید سنجیده شود

فراستخواه در این بخش به نسبت میان خشونت و دین با تمرکز به مسئله ایران پرداخت و گفت: اگر بخواهیم «ما» باقی بماند و ظرفیت‌هایمان

● درک دواړه از دین به خشونت نظام‌مند

تصریح کرد: در مدل اثبات‌گرا شواهد تاریخی و متنی استفاده می‌شود. به نظر من جامعه ما معقول است چون انسان نیاز به معقولیت دارد. گرفته و حتی مقداری گمراه‌تر شده است. اما مدل تفسیرگر باور دارد که نسبت میان دین و خشونت به تفسیر و نوع درک ما از دین بستگی دارد. اینکه برخی‌ها خواستند اسلام را با روش هرمنوتیک توضیح دهند به این خاطر است که می‌دانند دین در ایران امری تاریخی و فرهنگی و انسان‌شناختی است و نمی‌توان آن امر ریشه‌دار را نادیده گرفت و در محاسبات ملی، دین را به عنوان یک متغیر مستقل محاسبه نکردند. طبعی از روشن‌فکران ایرانی به این مدل خاوند و امر دین‌بنده می‌پردازد. دین برای ایران همان‌طور که مسئله است، راه‌حل هم محسوب می‌شود.

این جامعه‌شناس با بیان اینکه نتیجه اسلام‌ها مطالعات میدانی است این‌گونه بوده که گاهی درک صلاح‌امیزی از اسلام وجود ندارد، به گروهی اندک اس‌ا قدرت‌مند اشاره کرد که در ۲ بخش رفتاری و ساختاری اشاره و تصریح کرد: خشونت گرایانه و تمایزخواهشان از اسلام را ترویج و اجرایی می‌کنند. او خاطرنشان کرد: متأسفانه تفسیر عقلانی و رحمانی و صلح‌آمیز تاریخ است.

استاد مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی تنها راه باقی‌مانده را اصلاح اساسی ساختارها دانست تا بتوان خشونت‌های نظام‌مند را که نتیجه درکی وارونه و اشتباه از دین است و خشونت‌های ساختاری را که نتیجه دین‌دولت، تحلیل‌کرد و دیرینه آن‌ها را به‌جای آورد. او توضیح نسبت دین و خشونت‌نشان می‌دهد.

نویسنده «تعریف مجدد دین» حکومت را عرفی و کالت دانست که باید بر پایه عقلانیت و رضایت و قرارداد اجتماعی به وجود آید و ادامه پیدا کند. باید درباره آن گفت‌گو صورت گیرد، نقد شود و رضایت مردم به صورت مرتب درباره آن سنجیده شود و جز این‌ها.

● درک دواړه از دین به خشونت نظام‌مند

فراستخواه در این بخش به نسبت میان خشونت و دین با تمرکز به مسئله ایران پرداخت و گفت: اگر بخواهیم «ما» باقی بماند و ظرفیت‌هایمان

ویراستار عزیز، بهوش باش

چه نسبتی میان ویراستار و پژوهش وجود دارد؟



چیده‌اما در گردآوری داده‌ها کمیشش انگ زده، مثلاً رفته‌سراع منابع دست‌دوم و به دست‌اول. با روش پژوهش مناسب با مسئله‌اش را برترنگه است و سعی‌مذا. منظور پژوهش‌هایی است که در مسیر حقیقت‌اند، اما به مقصد نرسیده‌اند. حقوق‌مادی در مورد صلاحیت دارد و از این پروژه ویرایشی‌شود که لااا پژوهش‌افتی‌داشته باشد و تاابا با موضوع و آن حوزه دانشی یگانه نباشد.

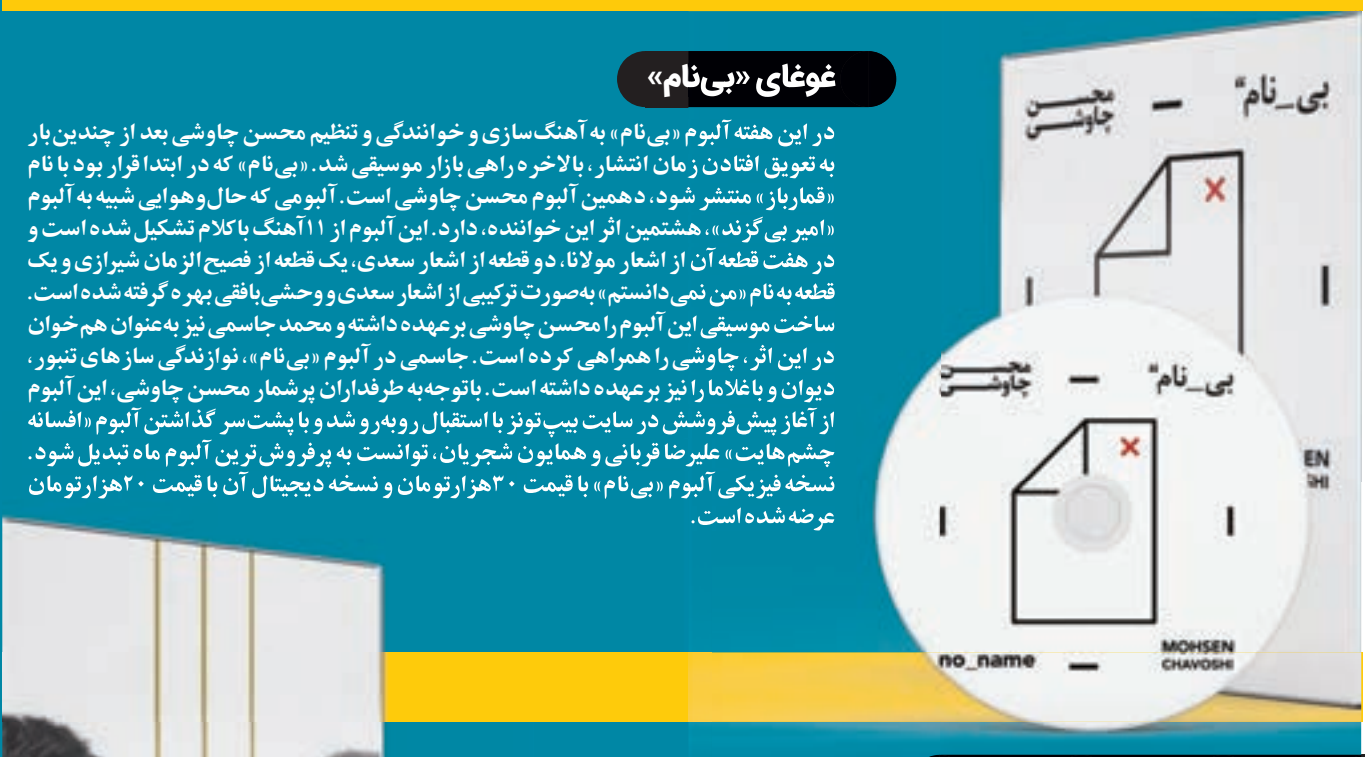
ویراستار تلاش می‌کند بنایی را بالا ببرد که درخور پژوهش باشد؛ یعنی وارد محتوا می‌شود و ویرایش محتوایی و ویرایش ساختاری را به‌ترنگه است و سعی‌مذا. منظور پژوهش‌هایی است که در مسیر حقیقت‌اند، اما به مقصد نرسیده‌اند. حقوق‌مادی در مورد صلاحیت دارد و از این پروژه ویرایشی‌شود که لااا پژوهش‌افتی‌داشته باشد و تاابا با موضوع و آن حوزه دانشی یگانه نباشد.

ویراستار تلاش می‌کند بنایی را بالا ببرد که درخور پژوهش باشد؛ یعنی وارد محتوا می‌شود و ویرایش محتوایی و ویرایش ساختاری را به‌ترنگه است و سعی‌مذا. منظور پژوهش‌هایی است که در مسیر حقیقت‌اند، اما به مقصد نرسیده‌اند. حقوق‌مادی در مورد صلاحیت دارد و از این پروژه ویرایشی‌شود که لااا پژوهش‌افتی‌داشته باشد و تاابا با موضوع و آن حوزه دانشی یگانه نباشد.

صدرنشینی «بی‌نام»

نگاهی به پرفروش‌ترین آلبوم‌های ماه آذر

شکیبا افخمی‌راد از روزهای گذشته ۲ آلبوم جدید در بازار موسیقی منتشر شده‌اند که در زمان کوتاهی توانستند در میان پرفروش‌ترین آلبوم‌های ماه قرار بگیرند. براساس آمار سایت بی‌پ‌توژ: در آذر امسال ۵ آلبوم «بی‌نام» محسن جاووشی، «افسانه چشم‌های» علیرضا قربانی و همایون شجریان، «دیوونه‌خونه مجازی» رضا یزدانی، «ایران من» همایون شجریان و سهراب پورناظری و «حالا که می‌روی» محمد عمدتی به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم پرفروش‌ترین‌های ماه را به خود اختصاص دادند.



● روند نزولی «افسانه چشم‌های»

در رتبه دوم جدول فروش این ماه، آلبوم موسیقی «افسانه چشم‌های» علیرضا قربانی و همایون شجریان قرار گرفته است. آلبومی که ماه‌قبل در رتبه اول پرفروش‌ترین آلبوم موسیقی منتشر شده قرار داشت و انتشار می‌رفت چندین ماه در صدر جدول فروش باقی مانده، اما این آلبوم با آهنگ‌های «مهار طیاره دو در حالی که از حضور دو خواننده قدر بهره گرفته بود، توانست انتشار مخاطبان را برآورد کند و با انتقادهایی نیز روبه‌رو شد. از سوی دیگر انتشار آلبوم جاووشی، خواننده پرفرد، در فاصله یک ماه از انتشار، «افسانه چشم‌های»، در صت قدرت‌نمایی بیشتر از آلبوم مشترک قربانی و شجریان که مزه‌م‌های تولیدش از مرداد سال ۹۳ به گوش می‌رسیده، گرفت. با توجه به ماه‌های آینده زمانی که تب‌و تاب آلبوم جاووشی روکشید، «افسانه چشم‌های» می‌تواند به صدر جدول برگردد یا همچنان روند نزولی و فروش ادامه خواهد داشت. لازم به ذکر است این مجموعه شامل ۱۱ آهنگ با کلام در سبک موسیقی کلاسیک ایرانی است که نسخه دیجیتال آن به قیمت ۲ هزار تومان و نسخه فیزیکی‌اش به قیمت ۳ هزار تومان در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.



● اقبال خوب به «دیوونه‌خونه مجازی»

در رده سوم پرفروش‌ترین‌های ماه نیز آلبوم تازه منتشر شده رضا یزدانی قرار گرفته است. آلبوم جدید یزدانی با نام «دیوونه‌خونه مجازی» از زمان آغاز پیش‌فروش و قبل از آنکه نسخه‌ای از آن ساختارها دانست تا بتوان خشونت‌های نظام‌مند را که نتیجه درکی وارونه و اشتباه از دین است و خشونت‌های ساختاری را که نتیجه دین‌دولت، تحلیل‌کرد و دیرینه آن‌ها را به‌جای آورد. او توضیح نسبت دین و خشونت‌نشان می‌دهد.



● «ایران من»، همچنان پرفروش

در رده چهارم پرفروش‌ترین‌های ماه نیز آلبوم «ایران من» همایون شجریان با آهنگ‌سازی سهراب پورناظری قرار گرفته است. این آلبوم که شهریور ۹۷ منتشر شد، برخلاف آلبوم جدید همایون شجریان همچنان با استقبال مخاطبان همراه است. «ایران من» که از زمان انتشار را به امروز هر ماه در جمع پنج آلبوم پرفروش‌تر قرار گرفته است، اما ماه‌قبل رتبه دوم جدول را به خود اختصاص داده بود اما این ماه در رده چهارم قرار گرفته است. آلبوم «ایران من» شامل ۱۴ قطعه آواز و تصنیف است و در آن از سروده‌های شاعران کهن و معاصر مثل فردوسی، سعدی، خواجه شمس‌الدین محمد، اسحاق انور، پوری‌سوری و آهوان‌ایمان بهره گرفته شده است. نسخه دیجیتال آلبوم همایون شجریان و سهراب پورناظری با قیمت ۱۲ هزار تومان در دسترس عموم است.



● اقبال به «حالا که می‌روی»

در رده پنجم پرفروش‌های ماه آذر نیز آلبوم «حالا که می‌روی» محمد عمدتی قرار دارد. این آلبوم که بهمن ۹۷ منتشر شد، ماه‌قبل در میان پنج آلبوم‌تر جای داشت و در آذر ماه به جمع پنج آلبوم برتر پیوست. آلبوم «حالا که می‌روی» شامل هشت قطعه با کلام است که آهنگ‌سازی آن‌ها بر عهده فرید سعادتمند بوده است. همچنین متن تمامی ترانه‌ها از سروده‌های محمد مهدی سیمار است.

عمدتی در این آلبوم از سازهای مختلفی بهره گرفته است. از ویولن، ویولن سل، پیانو و کنتراباس که با ترانه‌های گویه‌ای ستوده، تا عود و سه‌تار که فضای دلنشینی را در آلبوم، «حالا که می‌روی» ایجاد کرده‌اند. این آلبوم که حال‌وهوایی عاشقانه دارد، با قیمت ۲ هزار تومان به صورت دیجیتال آماده خرید و دانلود است.



● نه! شایسته‌تر از این!

این «کارنامه پندار بی‌دخش» نمره قبولی نمی‌گیرد

علی‌افغانی! بهرام بیضایی که امروز هشادویک‌ساله می‌شود، زمانی که هنوز دانش‌آموزی دبیرستانی بود، را تمام‌انجام دهد، پس به کوششی آخر مدرسه «ارش» و «زدهاک» را در اختیار درستی‌نمی‌نامیم. کلامیک را اول نوشته است. خودش هم نمی‌داند. خودش بیضایی این اشعار را «خروانی» نامیده است که یعنی خوب است. آن‌ها را از رتبه بلند بر سرانجم خوانده این‌برخوئی‌ها. متونی ادبی به‌زبان سرانده که علی‌رقم صبه نامایشی‌نشان نمی‌توان آن‌ها را نمایشنامه‌به‌معنای متعارف محسوب کرد، زیرا از دستور صحنه و دیالوگ‌لرم عموم نمایشنامه‌ها خبری درشان نیست. باری، «ارش» و «زدهاک»، چنان‌که از نمایش‌نامه‌های ایرانی‌اند که بسیار کسان درباب آن‌ها نوشته‌اند اما «ارش» و «زدهاک» بیضایی همسان ارش و ازدهاک‌های که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین ترتیب دانست که ما که هستیم و چطور به این روز افتاده‌ایم. بنابراین، شجریان بار «خروانی» جز محمدش و بنادر بیضایی که ما می‌شناسیم، نیستند. بیضایی که می‌داند تاریخ معادگیری او عوامل و زمینه‌های، رخدادها و این مردم عادی که جامعه از آن‌ها تشکیل می‌شود نیست، معتقد دوهست که این‌ها را می‌شود در اسطوره‌ها یافت و بدین